گزارش «شرق» از نگاه حقوقی به شباهت قتل زنان و بدن‌های مثله‌شده آنها در ماه‌های اخیر

ابهام در تشابه قتل زنان مثله‌شده

نسترن فرخه: نحوه این قتل‌ها شباهت‌هایی به یکدیگر دارد و جسدهای مثله‌شده آنها در مکان عمومی و اغلب کنار سطل زباله رها می‌شود؛ مواردی که احتمال زنجیره‌ای‌بودن آن را در افکار عمومی بالا می‌برد. از بدن تکه‌تکه‌شده زنی که آبان سال قبل در بین زباله‌های یک گاری در مشهد پیدا شد، تا جسد مثله‌شده دو زن دیگر با وضعیت فجیع در آباده و جسدهای اخیر در میدان آزادی و خزانه که قاتل یا قاتلان بعد از مثله‌کردن، جسدها را در گذرهای اصلی و کنار سطل زباله‌های در معرض دید گذاشتند. افکار عمومی زنان را هدف این قتل‌ها می‌دانند؛ اما پلیس آگاهی از دستگیری بسیاری از عاملان این قتل‌ها خبر داده و تأکید دارد که هیچ‌کدام آنها به قتل‌های زنجیره‌ای ارتباطی ندارد. برخی کارشناسان حقوق و جزا هم طبق تعاریف زنجیره‌ای‌بودن قتل‌ها، نشانه‌های این موارد را همچنان مبهم می‌دانند که از سوی فرد یا محفلی چنین قتل‌هایی صورت گرفته باشد؛ بنابراین براساس اظهارات مذکور تا این لحظه قطعیتی برای زنجیره‌ای‌بودن آنها در دست نیست.

اگر زنان هدف هستند، باید حساسیت بیشتری به خرج داد

طبق آنچه عثمان مزین، وکیل پایه‌یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، درباره این نوع پرونده‌های مشابه با قتل‌های زنجیره‌ای به «شرق» می‌گوید: «جرمی که موجب ترس و حساسیت جامعه شود، گستردگی و تازه‌بودن آن، ملاک است. در جامعه ما هم همیشه قتل در اقصانقاط کشور اتفاق می‌افتاده؛ پس ما زمانی به زنجیره‌ای‌بودن آن اطمینان پیدا می‌کنیم که موارد آن زیاد باشد و به دست یک فرد یا گروهی انجام شده باشد؛ یعنی از روی نوع شباهت قتل‌ها یا وضعیت مقتولان به این نتیجه برسیم که گروه یا محفلی این کار را انجام می‌دهند. اگر اینها هدایت‌شده یک گروه یا یک تفکر نباشد، نمی‌توان درباره زنجیره‌ای‌بودن آن نظر داد». درباره قتل‌های اخیر که شباهت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، مزین اشاره می‌کند: «درباره اتفاقات اخیر نمی‌توان نظری داد؛ مگر آنکه از روی نوع قتل یا از نوع مقتولان به این نتیجه برسیم که یک فرد یا محفلی پشت آن است. مثلا اگر مقتولان همه بدحجاب باشند، آنجا نتیجه می‌گیریم قاتل یا قاتلان بدحجاب‌ها را می‌کشند یا اگر مقتولان اهل یک فرقه خاص باشند، متوجه می‌شویم این گروه را هدف قرار داده‌اند. در واقع اگر کارآگاه‌های قتل داده‌های مرتبط با هم به دست آورند، می‌توان یک نتیجه‌گیری در این زمینه در نظر گرفت. وقتی در این شرایط دستگاه قضا و نیروی انتظامی چنین قتل‌هایی را مشاهده می‌کند، بیشتر حساس می‌شود و به گروه‌هایی که احتمال می‌دهد هدف قاتل یا قاتلان هستند، هشدار می‌دهد. در این زمینه هم اگر سازمان‌های مربوطه به این نتیجه رسیدند که زنان هدف هستند، باید حساسیت‌ها را بیشتر کنند و با دستگیری عاملان، امنیت روانی را در جامعه ایجاد کنند.

شباهت‌های تأمل‌برانگیز چند قتل

آنچه در رسانه‌ها اعلام شده، این است که قربانی این چند قتل، زنان بودند و علی نجفی‌توانا، رئیس اسبق کانون وکلا، در شروع صحبتش با «شرق» اشاره می‌کند: «در قتل‌های اخیر قربانیان آن زنان هستند و به علت نوع ارتکاب قتل که دایر بر تکه‌تکه و مثله‌کردن اجساد این قربانی‌هاست، به علت مشابهت‌شان ممکن است چنین ذهنیتی ایجاد شود که این نوع جنایت‌ها به صورت سریالی اتفاق افتاده. واقعیت این است که قتل‌های سریالی معمولا به دلیل مشکلات روحی-روانی و انگیزه‌های خفته در روان فرد که مرتبط با ضمیر ناخودآگاه است و عمدتا به دوران کودکی برمی‌گردد، همچنین به نوعی با هدف انتقام و مسائل روحی شکل می‌گیرد. آنچه در قتل‌های اخیر مشاهده می‌شود، البته قبل از اینکه بتوان درباره انگیزه‌های آن صحبت به میان آورد، باید به برخی موارد توجه کرد که قطعا باید با شناختی که فرضا از قربانیان و شرایط زندگی آنها به دست می‌آوریم، اظهار نظر علمی کرد». توانا درباره این چند قتل، تفاوت مکانی آنها را دلیل بر زنجیره‌ای‌نبودن آنها می‌داند و می‌گوید: «با توجه به تفاوت مکان‌ها به نظر می‌رسد نمی‌توان آنها را قتل‌های زنجیره‌ای نامید؛ چراکه در قتل‌های زنجیره‌ای با انگیزه‌های ایجادشده، معمولا قاتل قربانی‌های خود را از افرادی انتخاب می‌کند که در ذهنش به‌عنوان دشمن فرضی تجلی می‌کنند. این نکته هم تأمل‌برانگیز است که رسانه‌ها به نوعی در بیان چگونگی قتل قلم‌فرسایی نکنند؛ چون یکی از شیوه‌های تقلید برای کشتن قربانی اخبار و فیلم‌هایی است که شخص مرتکب بالقوه می‌بیند و شیوه مدنظر خود را طراحی می‌کند».

شهروندان با کوچک‌ترین شکی پلیس را در جریان قرار دهند

قتل‌های زنجیره‌ای تعاریفی دارد که براساس‌آن می‌توان اتفاقات اخیر را با آن نشانه‌ها سنجید. محمدجعفر ساعد، جرم‌شناس و استاد دانشگاه، در گفت‌وگو با «شرق» مواردی را یادآوری می‌کند که تعریف قتل‌های زنجیره‌ای را کامل می‌کند و می‌گوید: «در اینکه وقوع چنین قتل‌هایی می‌تواند نمادی از قتل‌های زنجیره‌ای باشد یا خیر، مستلزم تنویر نکاتی چند است؛ قتل‌های زنجیره‌ای دارای ویژگی‌های معینی هستند که اگر در این قتل‌های ارتکابی محلی از آنها وجود داشته باشند، می‌توان این قتل‌ها را زنجیره‌ای نامید. قاتل یا قاتلان دارای انگیزه و قصد مشخصی هستند که در همه قتل‌ها مشابه است؛ یعنی تشابه انگیزه و قصد در همه موارد واحد و یگانه است. برای نمونه، گاه انگیزه از نوع انتقام اجتماعی است و گاه سیاسی و گاهی اعتقادی و پاره‌ای اوقات قومی و نژادی و از این قبیل است. گاه انگیزه ریشه روان‌شناختی دارد و تخلیه خشونت وجودی قاتل یا قاتلان ناشی از عقده‌ها یا تجارب دوران کودکی عامل ورود آنها به این جنایت سریالی است. بر همین مبنا، قصد قاتل یا قاتلان نیز متفاوت رخ می‌نماید. گاه قصد قاتل یا قاتلان سریالی به تعبیر خود، پاک‌سازی جامعه از زنان روسپی است و حتی در وضعیت فعلی چه بسا بدحجابی یا کم‌حجابی هم بتواند دستمایه ذهنی مطلوب عده‌ای برای ورود به این منجلاب فجیع بزهکاری شود. همچنین سناریوی طراحی قتل‌ها معمولا مشابه است؛ اگرچه لزوما همیشه به این شکل نیست؛ معمولا قاتل یا قاتلان از شگرد واحدی برای به‌دام‌انداختن قربانیان خود و نحوه قتل آنها بهره می‌برند. قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای دارای جنس، نژاد و جنسیت خاصی هستند؛ یعنی جامعه یا قشر هدف قاتل یا قاتلان، مشخص و واحد است. چنان‌که برای نمونه درباره قضیه حاضر، قربانیان از نظر اینکه همگی زن هستند، مشابه‌اند؛ اما به صرف این ویژگی نمی‌توان از قتل‌های زنجیره‌ای یاد کرد».

این جرم‌شناس می‌گوید: «قتل‌های زنجیره‌ای معمولا محصول تفکرهای افراطی در حوزه‌های مختلف سیاسی یا اعتقادی است و قتل نویسندگان در دهه ۷۰ نمونه بارزی از این دست قتل‌هاست. به همین منوال، گاهی اندیشه‌های افراطی قومی یا نژادی در این قتل‌ها جلوه‌گر می‌شود. با عنایت به ویژگی‌های مزبور، صرف‌نظر از اینکه چنین قتل‌هایی زنجیره‌ای باشند یا ارتباطی با هم نداشته باشند، زنگ خطری بزرگ برای جامعه ایرانی از نظر حفظ امنیت جانی بانوان است. بر این مبنا، شهروندان از یک سو و نهادهای متولی تأمین نظم و امنیت در جامعه از سویی دیگر باید دقت نظر بیشتری در قیاس با گذشته داشته باشند و دراین‌میان نقش خانواده‌ها در پیشگیری از این فجایع دلخراش بیش از هر نهادی است. ضرورت دارد خانواده‌ها نظارت بیشتر بر اعضای خود داشته باشند و توجه بیشتری به رفت‌وآمد آنها و نشست و برخاست‌شان داشته باشند. نهادهای متولی نظم و امنیت لازم است پیشگیری وضعی را جدی‌تر گرفته و با بهره‌گیری از ابزارهای آن اعم از حضور در مکان‌ها و بهره‌گیری از توان شهروندان در امر مشارکت در این زمینه فرصت‌های وقوع این فجایع را به حداقل برسانند. ضرورت دارد شهروندان با کوچک‌ترین شکی در کوچه و محل و خیابان پلیس را در جریان گذاشته تا از میزان این جنایات کاسته شود. بی‌تردید بدون مشارکت مردم و دولت نمی‌توان شاهد عدم یا کاهش قتل یا هر جنایتی دیگر در جامعه بود».

نگاهی به خصوصیات قاتلان زنجیره‌ای

آنها چه رفتاری دارند؟

شرق: قاتلان زنجیره‌ای همیشه با تصویر سرد، محاسبه‌گر و اغلب عقده‌ای نمایش داده می‌شوند اما دلیل گرایش آنها به مرتکب‌شدن چنین جرائم شنیعی چندان مشخص نبوده است. این موضوعی پژوهشی است که در دهه ۹۰ مجله رفتار خشن و تهاجمی در مورد آن نوشت که به بخشی از آن در این مطلب اشاره شده است. آنها توانستند ارتباطی بین ابتلای قاتلان به ترکیبی از اختلال طیف اوتیسم، آسیب سر و یک اختلال روانی مانند نمونه‌هایی که در اثر قرارگرفتن در معرض سوءاستفاده در دوران کودکی یا طلاق والدین ایجاد شده‌اند، شناسایی کنند.

بر اساس یافته‌های محققان، ۲۸ درصد قاتلان سرشناس به اختلال طیف اوتیسم دچار بودند. در مقابل حدود یکی از ۱۰۰ نفر در عموم مردم به این اختلال مبتلا هستند.

گزارش‌های دیگری هم وجود داشت که مدعی بودند یک‌پنجم قاتلان در گذشته یک ضربه به سر قطعی یا مشکوک را تجربه کرده بودند. در میان قاتلان با سابقه ابتلا به اختلال طیف اوتیسم و یا ضربه به سر، بیش از نیمی از آنها در گذشته تنش‌های روانی مانند سوءاستفاده جنسی یا فیزیکی و همچنین طلاق والدین را تجربه کرده بودند.

محققان گلاسکو از این رو به این نتیجه رسیدند که احتمالا بیش از ۱۰ درصد قاتلان زنجیره‌ای در کل جمعیت جهان دارای نشانه‌هایی از اختلال طیف اوتیسم بوده و همچنین درصد مشابهی از تجربه ضربه سر برخوردار بودند. اگرچه به ادعای دانشمندان، ابتلای فرد به یک اختلال عصبی تکاملی یا ضربه‌خوردن سر وی به تنهایی باعث تبدیل‌شدن وی به یک قاتل زنجیره‌ای نخواهد شد. قاتلان زنجیره‌ای به لحاظ روان‌شناسی دچار آسیب‌های جدی هستند. قاتلان زنجیره‌ای به طور گسترده در گروه افراد دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی شناخته می‌شوند که نداشتن احساس همدردی و مدیریت بر هیجانات شاخصه اصلی قاتلان زنجیره‌ای قلمداد می‌شود. قاتلان زنجیره‌ای با وجود ظرفیت‌های خاص این امکان را می‌یابند تا به دور از هرگونه اخلاق و وجدان، مرتکب اعمال غیرانسانی چون تجاوز، شکنجه و قتل شوند. با این حال، محققان با پذیرش عادی و معمولی نسبت‌دادن صفت ضداجتماعی به قاتلان زنجیره‌ای، ممکن است تعامل بین رفتار سادیستیک (آزارگرانه) و صفت ضداجتماعی بودن را نادیده گرفته و باعث شوند تا احساس همدردی و همدلی به جای محوشدن، برجسته و بارز شود. اصطلاح قاتلان سریالی در دهه ۱۹۷۰ توسط رابرت رزلر، افسر جنایی FBI، ساخته شد. قبل از آن، قاتلان سریالی فقط قاتلان توده‌ای بودند که در حال حاضر معنی خاص خود را دارند. قاتلان سریالی روزها، هفته‌ها یا حتی سال‌ها مرتکب قتل می‌شوند. برخی از قاتلان سریالی معروف بیشتر از ده‌ها سال به کار خود مشغول بودند. در ادامه فهرستی از معروف‌ترین قاتلان سریالی جهان و دلیل انجام قتل‌های آنها از منظر روان‌شناسی آورده شده است.

چارلزمنسون

چارلز مایلز منسون تبهکار آمریکایی بود. او به عنوان رهبر جماعتی که با نام «خانواده منسون» در دهه ۱۹۶۰ میلادی در کالیفرنیا فعال بودند، شهرت داشت. منسون در سال ۱۹۷۱ به خاطر قتل شرون تیت (همسر باردار رومن پولانسکی) و لنو رزماری لابیانکا که توسط تعدادی از افراد خانواده منسون و به دستور شخص او انجام شد محاکمه شد. منسون در دهه ۶۰ رهبر یک فرقه کیش شخصیت بود. او و پیروانش طی دو شب در ماه آگوست ۱۹۶۹ هفت نفر را به ضرب چاقو یا گلوله کشتند.

افراد خانواده منسون از نظریه او با عنوان «درهم و برهمی» پیروی می‌کردند. چارلز منسون در «درهم و برهمی» وقوع جنگی را مابین نژاد سیاه و سفید پیش‌بینی کرده که بر اثر تنش‌های نژادی در دوره آخرالزمان رخ می‌دهد. منسون پیش‌بینی کرده بود که طی دوران جنگ موعود ایالات متحده ویران خواهد شد و پس از پایان جنگ «خانواده منسون» قدرت را در دست می‌گیرند. پس از آنکه منسون در یکی از جلسه‌های دادگاهش به این مطلب اشاره کرد که نام نظریه‌اش را از یکی از ترانه‌های بیتلز به عاریت گرفته، این رابطه او با موسیقی راک از همان دوره نامش در فرهنگ عامه را با عناوین جنون، خشونت و وحشت همراه کرد. برای درک اینکه چگونه منسون پیروانش را برای کشتن متقاعد می‌کرد، باید او را به عنوان یک فرد بررسی کنیم. چارلز منسون زندگی خود را به عنوان پسر یک فاحشه ۱۶ساله، آغاز کرد. چند سال بعد در نوجوانی، به خاطر سرقت دستگیر شد. از این زمان به بعد، او به خاطر سرقت اتومبیل و اتهامات دیگر، در زندان به سر می‌برد. مدت کوتاهی پس از اینکه او به کالیفرنیا نقل مکان کرد، شروع به جلب توجه افراد منفور و فراری‌های محلی کرد. با دیدن نیاز آنها به راهنمایی، او فرصت را غنیمت شمرده و خود را در روح و روان آنها قرار داده است. وی نشانه‌هایی از اختلال شخصیت خودشیفته همراه با هذیان‌های پارانویید را نشان می‌دهد. منسون قادر به شست‌وشوی مغزی پیروان خود بود. در سال ۱۹۷۱ منسون به ارتکاب قتل محکوم و دستگیر شد.

جفری دامر

بیشترین مطالعه روان‌شناختی روی قتل‌های او انجام شده است. وی قاتل سریالی مشهور آمریکایی است که با نام قصاب یا «آدمخوار میلواکی» نیز شناخته می‌شود. اگرچه او اکثر قتل‌های خود را در ویسکانسین مرتکب شد، ولی خانه دوران کودکی‌اش نخستین مکانی است که راز جنایت او را در سینه دارد. وی زمان زیادی را صرف ربودن، کشتن و خوردن قربانیان خود می‌کرد. او اولین قتل خود را در سال ۱۹۷۸ و در ۱۸سالگی انجام داد. اولین مقتول استیون هیکس نام داشت و ۱۹ساله بود. دامر وی را به خانه خویش دعوت کرد ولی او را کشت چون جفری نمی‌خواست استیون از خانه برود. او با زدن ضربات متعدد به وسیله دمبل ۱۰ کیلویی باعث شد استیون بیهوش شود و سپس با میله دمبل او را خفه کرد. وی میان ژوئن ۱۹۷۸ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۹۱، ۱۷ پسر و مرد را به نحو فجیعی سلاخی کرد. او علاقه زیادی به جنازه‌خواری و آدمخواری داشت. اینها بخشی از رفتارهای هولناک وی بود. او باور داشت که با خوردن گوشت قربانیانش، آنها دوباره در درون وی زنده خواهند شد. وی که به زندان ابد محکوم شد، سرانجام در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۴ به دست یک هم‌سلولی به قتل رسید.

در دادگاهی که برای او تشکیل داده بود به نظر منطقی و عاقل می‌رسید و سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا کسی که عاقل به نظر می‌رسد به عنوان بیمار روانی در نظر گرفته می‌شود؟ کسانی که این سؤال را مطرح می‌کردند به این حقیقت فکر می‌کردند که جفری دامر کاملا عاقل است اما با این حال این قتل‌ها را انجام داده است. در حالی که منسون نقص‌های شخصیتی چندانی داشت، به نظر می‌رسد که دامر آنها را نداشت. او می‌کشت چون می‌توانست بکشد. او می‌کشت زیرا دلش می‌خواست که بکشد و همه کسانی که با آن پرونده ارتباط داشتند، دنبال دلیلی برای قتل‌های وی می‌گشتند که خارج از کنترل دامر بوده است. وقتی آنها چیزی پیدا نکردند، مجبور شدند قبول کنند که گاهی اوقات افراد فقط کارهایی انجام می‌دهند، زیرا می‌توانند. پس جواب این سؤال که چرا او مرتکب قتل شده این است: چون او می‌توانست!

جان وین گیسی

جان وین گیسی یک نمونه جالب است. کسی باور نمی‌کرد که «جان وین گیسی» یکی از اعضای محترم اتاق بازرگانی در «دس پلینز»، کسی که در جشن‌های کودکان در نقش دلقک آنها را می‌خنداند، یک مقام شناخته‌شده در دفتر محلی حزب دموکرات و یک تاجر، یکی از خوفناک‌ترین قاتلان سریالی در تاریخ آمریکا باشد. نام مستعار دلقک قاتل به این دلیل به او داده شد که وی تمایل داشت در جشن‌های کودکان لباس دلقک بپوشد و آنها را سرگرم کند. آنچه به نظر می‌رسد مشکل گیسی به دلیل عدم رضایت او از جنسیتش است. مردانی که ربوده شده بودند، قبل از اینکه به قتل برسند مورد تجاوز قرار می‌گرفتند. وقتی که از او در مورد جنایاتش پرسیدند گفت آنها بی‌ارزش بودند.

تدباندی

تئودور رابرت تد باندی در نوامبر ۱۹۴۶ متولد شد و در ژانویه ۱۹۸۹ در زندان ایالتی فلوریدا با صندلی الکتریکی اعدام شد. او یک قاتل و متجاوز سریالی، آدم‌ربا، دزد و مرده‌باز بود که در دهه ۱۹۷۰ به ده‌ها زن حمله کرد و تعداد زیادی از آنها را به قتل رساند. احتمال می‌رود جنایات او حتی پیش از این تاریخ آغاز شده باشد. تد باندی بسیار هوشمند، تحصیل‌کرده و جذاب بود و تمایل داشت که فرماندار واشنگتن شود. باندی خوش‌قیافه و دارای شخصیتی کاریزماتیک توصیف شده، این دو مشخصه به او در جلب اعتماد قربانیانش کمک می‌کرد. در موارد بسیاری او در مکان‌های عمومی در قالب کسی که آسیب دیده یا معلولیت دارد به زنان نزدیک می‌شد و از آنها برای انجام کاری کمک می‌خواست (مثلا برای حمل چند کتاب) او از این حربه برای کشاندن آنها به یک مکان خلوت استفاده می‌کرد. در مواردی نیز او در قالب پلیس یا مأمور آتش‌نشانی ظاهر می‌شد و از قدرت قانونی جعلی‌اش برای همراه‌کردن قربانی استفاده می‌کرد.

بعضی موارد او بارها به محل انجام جنایت باز می‌گشت و هر بار ساعت‌ها به آراستن جسد و رفتارهای نادرست با آن مشغول می‌شد. این ملاقات با اجساد در حال پوسیدن تا زمانی ادامه می‌یافت که تعفن جسد یا حمله حیوانات وحشی نزدیکی بیشتر با آن را غیرممکن می‌کرد. او حداقل ۱۲ قربانی را سر بریده بود و در مواردی سر بریده را برای مدتی به عنوان یادگاری در آپارتمانش نگه داشته بود. در موارد معدودی باندی نیمه‌شب به خانه قربانی وارد می‌شد و با ضربه‌های کشنده زنان را در خواب می‌کشت.

جدول ۴۵۳۲ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رفیق راه- سامانه موقعیت‌یاب جهانی- خودنمایی بیجا۲- تکرار حرفی- دختر آدم و حوا- شهرستانی در استان سیستان و بلوچستان۳- گلدسته- دریاچه‌ای بزرگ در شرق دریای خزر- شنونده۴- قهوه فوری- گروه انسان‌ها- سخن زیر لب از روی نارضایتی۵- غیرقابل انکار- یاری‌کننده۶- ادویه‌ای با عطر و طعم دلپذیر- جامه، لباس- کمک۷- گندم آسیاب‌شده- ارابه- شعری که در وصف بهار سروده شود۸- سیخونک- ماهی دریای خزر با خاویار معروف- عادت۹- حل مشکل می‌کند- بهشت زیر پای اوست- میخ در گویش عرب۱۰- روشن و تابناک- برگزیده از هر چیز- وسطی۱۱- کوهستانی مرتفع در آسیای مرکزی- دارایی‌ها۱۲- کاشتن بوته برنج- نوعی نان حجیم- عمده‌فروش۱۳- ملاک سنجش- مرز- گروی۱۴- شعله آتش- پاک‌کردن غلات- پراکندگی۱۵- حرف همراهی عرب- شکست‌خوردن لشکر- رمانی از جومپا لاهیری، نویسنده ادبیات هند.

عمودی:

۱- نامی پسرانه- داستانی نوشته ماکسیم گورکی- قطره‌های ریز باران۲- همدم- اصول و مبانی- خطی در دایره۳- کارتن بازنشده- نوعی حرکت نمایشی با توپ۴- فیزیکدان انگلیسی که قوانین الکترولیز را وضع کرد- مسجد مروارید در این شهر هند است- چند رأی۵- بندگی- از گیاهان آپارتمانی زیبا- واضح و آشکار۶- شهری در هلند- گلی خوشبو و سمی ۷- نوعی پوست دباغی‌شده- بی‌ریا- تحفه درویش است۸- کبوتر دشتی- هنر قرن بیستم- از مهم‌ترین جنگ‌های حماسی یونان باستان۹- اصلی‌ترین شهر جزیره سیسیل ایتالیا- پدر- مقدار فضایی که هر جسم اشغال می‌کند۱۰- سرقت، دزدی- نقطه شروع ۱۱- حوض تزیینی- به وسیله غدد درون‌ریز تولید می‌شود- راه شاعرانه۱۲- زهرآلود- واضح و آشکار- فراوان‌ترین کبوتر۱۳- ثروتمند- مادر۱۴- معادل فارسی کاور- جاری‌شدن مایع- درس نگارشی۱۵- زره‌ساز- پیرو دین حضرت موسی (ع) - ضرباهنگ.

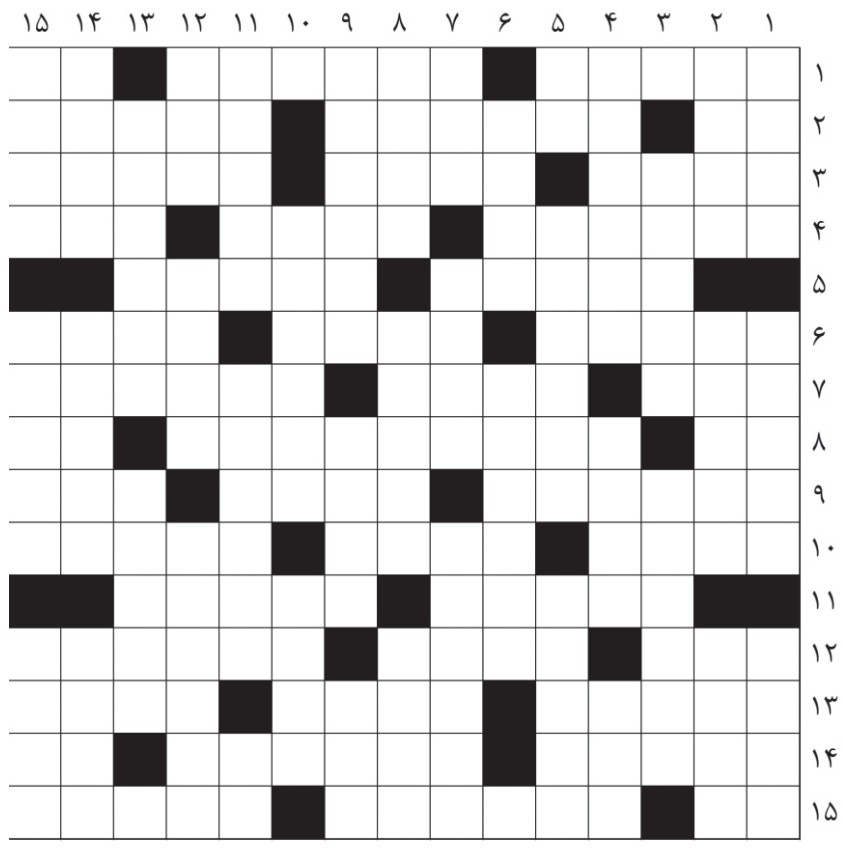

حل سودوکو سخت

۷	۴	۶	۲	۳	۹	۸	۱	۵
۲	۹	۸	۴	۱	۵	۷	۶	۳
۵	۳	۱	۸	۷	۶	۲	۹	۴
۸	۶	۵	۱	۴	۲	۳	۷	۹
۳	۲	۷	۹	۶	۸	۵	۴	۱
۴	۱	۹	۷	۵	۳	۶	۲	۸
۶	۵	۴	۳	۹	۷	۱	۸	۲
۹	۸	۳	۶	۲	۱	۴	۵	۷
۱	۷	۲	۵	۸	۴	۹	۳	۶

حل سودوکو ۳۵۲۷

۳	۲	۹	۶	۸	۷	۱	۴	۵
۱	۶	۸	۲	۵	۴	۳	۷	۹
۵	۷	۴	۹	۳	۱	۲	۸	۶
۹	۸	۱	۴	۲	۶	۷	۵	۳
۶	۳	۲	۵	۷	۸	۹	۱	۴
۷	۴	۵	۳	۱	۹	۶	۲	۸
۲	۱	۶	۸	۴	۳	۵	۹	۷
۸	۹	۷	۱	۶	۵	۴	۳	۲
۴	۵	۳	۷	۹	۲	۸	۶	۱

حل جدول ۴۵۳۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ا	ن	■	ب	ا	ن	د	■	س	ن	ک	ل	ا	خ
۲	س	ت	ا	ر	ه	د	ر	ی	ا	ی	ی	■	س	ه	و
۳	ت	ا	ر	ا	■	ی	د	ک	ی	■	ت	ر	ا	و	ش
۴	ح	■	ن	ه	ف	ت	ه	■	م	ب	ر	ه	ن	■	خ
۵	ک	ن	ج	ک	ا	و	■	د	ا	ر	ا	ب	■	ر	د
۶	م	ک	■	ا	م	ر	ز	ش	■	ا	ت	ر	ی	و	م
۷	■	ت	ا	ر	ت	■	ا	ت	م	ی	■	ی	و	ر	ت
۸	ش	ه	د	■	ن	گ	ر	ی	س	ت	ن	■	و	ا	ی
۹	م	س	ی	ر	■	م	ع	ا	د	■	ا	ل	ی	س	■
۱۰	ا	ن	ت	ح	ا	ر	■	ر	س	ا	ل	ه	■	ت	ه
۱۱	ل	ج	■	م	س	ا	و	ی	■	م	ا	ر	ک	ی	ز
۱۲	غ	■	گ	ا	ت	ه	ا	■	ک	ا	ن	ا	ل	■	ا
۱۳	ر	م	ا	ن	ی	■	ک	س	و	ت	■	س	ا	م	ر
۱۴	ب	ن	ز	■	ش	ه	ر	ی	چ	و	ن	ب	ه	ش	ت
۱۵	ی	ا	ر	ا	ن	ه	■	م	ک	ر	م	■	ک	ی	و

سودوکو سخت ۳۵۲۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۶		۴		۱		
		۱			۶			۹
۸	۲	۷		۱	۹			
					۴			۱
	۱			۵			۳	
۲			۱					
			۴	۲		۸	۱	۵
۳			۸			۶		
		۴		۶		۹		

سودوکو ساده ۳۵۲۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۱	۴				۳			
	۷	۵						
۸			۴	۵	۷			
۷			۱	۶		۴		
۳	۱			۹			۲	۶
		۹		۴	۵			۷
			۶	۸	۹			۲
						۶	۹	
			۵				۸	۳